

لبخند و بیا یک مغز اضافه (درک فلسفه از طریق طنز)

دانیل ام کلاین / تامس کینگ کورت
ترجمه حسین یعقوبی





لبخند با یک مغز اضافه (درک فلسفه از طریق طنز)

نویسنده: دانیل ام. کلاین و تامس کت کارت

ترجمه: حسین یعقوبی

طراح جلد: افسانه آسایش ویراستار: محبوبه قاسمی ایسجه

چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۱۱۰-۱

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

سرشناسه: کت کارت، تامس، ۱۹۴۰ - م.

Cathcart, Thomas

نوان و نام پدیدآور: لبخند با یک مغز اضافه / تألیف

تامس کت کارت و دانیل ام. کلاین؛ گردآوری و ترجمه:

حسین یعقوبی

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر،

۱۳۹۶

مشخصات ساهری: ۲۰ ص

ISIB: 978-600-03-0110-1

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Plato and a platypus

wall, humor & bar-- : understanding

philosophy through jokes, 2008.

موضوع: فلسفه

موضوع: فلسفه -- لطایف و حکایات

شناسه افزوده: کلاین، دانیل ام.، ۱۹۳۹ - م.

شناسه افزوده: Klein, Daniel M.

شناسه افزوده: یعقوبی، حسین، ۱۳۴۹ -، گردآورنده

مترجم

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج ۲ / BD۳۱

رده‌بندی دیویی: ۱۰۲/۰۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۳۹۳۸۳

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۳۳

صندوق پستی:

۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۲

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز بختی (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۸۳ فکس ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.iricapa.com

پیش درآمد / ۷

فصل اول: متافیزیک / ۱۵

فصل دوم: منطق / ۳۹

فصل سوم: معرفت شناسی: تئوری معرفت / ۶۳

فصل چهارم: اخلاقیات / ۸۱

فصل پنجم: فلسفه و اعتقادات جمعی / ۱۰۵

فصل ششم: اگزستانسیالیسم / ۱۱۷

فصل هفتم: فلسفه زبان / ۱۲۷

فصل هشتم: حکومت معطوف به قدرت / ۱۴۵

فصل نهم: نسبیت / ۱۶۷

فصل دهم: فرافلسفه / ۱۷۷

دیمتری: آگه اما ایش دنا رو نگه می‌داره، پس چی اطلس
رو نگه می‌داره؟

تاسو: اطلس رو پشت یه لاک پشت وایساده.

دیمتری: صحیح! ... خُب ایش رو چی وایساده؟

تاسو: معلومه! یه لاک پشت دیگه.

دیمتری: و اون لاک پشت دیگه چی

تاسو: دیمتری عزیز، تا اون تهش، تا ایش دف کلهکشان

همین جور لاک پشت رو لاک پشت وایساده.

تا به حال دربارهٔ تسلسل و رشته‌های نامتناهی چیزی شنیده‌اید؟

لطیفه‌ای که کتابمان را با آن شروع کردیم، دقیقاً، به این مسئلهٔ فلسفی

پیچیده اشاره می‌کند: جست‌وجوی بی‌پایان برای یافتن علت نخستین

در لابیرنت پیچیدهٔ مخلوقات بی‌شمار. خالق زندگی، جهان، زمان، و

فضا حقیقتاً کیست؟ و مهم‌تر از آن خالق همین خالق کیست؟ کتاب‌های

آسمانی خالق جهان را وجودی ازلی و ابدی می‌داند و دانشمندان بی‌اعتقاد به عالم ماوراء آن را نتیجه انفجار بزرگ یا همان «بیگ‌بنگ» اما فلاسفه چون علاقه‌گرایی به پیچیده‌تر کردن مسائل ظاهراً ساده دارند، بحث تسلسل را در این رابطه مطرح کرده‌اند. حالا مسئله اینجاست که آیا این دور تسلسل به صورت مدور است، کروی است، از بالا به پایین است، از پایین به بالاست، یا ...

اگر فکر می‌کنید این شیوه استدلال برای حل معمای تسلسل شما را به جایی می‌رساند، باید خدمتان عرض کنیم که اشتباه می‌فرمایید؛ نمی‌رساند یا دست‌کم زود نمی‌رساند. البته، می‌توانید کارتان را ساده کنید و خیلی بحث‌دکترین «خلق همه از هیچ» را در نظر بگیرید که حارلنور پیش از این، در حوزه موسیقی عامه‌پسند، آن را به این شکل بیان کرد:

«قبل از آن چیزی نبود.»

سیسرون، خطیب یونانی، قرن‌ها پیش - در عصری که طبق شواهد و مدارک کمتر کسی جوک می‌گفت - آن‌طور روی دست فلاسفه ریخت و رسماً اعلام کرد: «هر چیز چرندی را که فکر کنید می‌توانید در کتاب فلاسفه پیدا کنید.» دو هزار سال بعد از او، جان دین، رئیس دانشگاه آکسفورد، در نامه‌ای خطاب به دیارتمان فیزیک نوشت: «چرا من باید همیشه به شما و دیارتمان شیمی این قدر پول بدهم برای آزمایشگاه و تجهیزات و مواد گران‌قیمت؟ چرا شما مثل دیارتمان ریاضی نیستید که همه آنچه آن‌ها احتیاج دارند پول برای قلم و کاغذ و سطل آشغال است و یا بهتر از آن‌ها دیارتمان فلسفه که به همان سطل آشغال هم احتیاجی ندارد.»

قانون اول فلسفه

برای هر فیلسوفی یک فیلسوف معادل و مخالف وجود دارد.

قانون دوم فلسفه

جفت آن‌ها اشتباه فکر می‌کنند.

خُب اجازه بدهید ساحت عالم فلسفه را بیش از این لکه‌دار نکنیم و به این مسئله حیاتی و بنیانی بپردازیم که وجه تشابه جوک‌ها و ایده‌های فلسفی چیست؟ حقیقتش را بخواهید از یک منظر - که لزوماً نیمه‌ر یا خالی لیوان نیست - ساختار جوک و بافت ایده‌های فلسفی به بارتی، شیوه پردازش هر دوی آن‌ها از یک جنس‌اند. آن‌ها ذهن را به شیوه‌های مختلف سرکار می‌گذارند؟ دست می‌اندازند؟ به چالش می‌کشند؟ بله، به چالش می‌کشند. هر دوی آن‌ها حقایق نهفته و اغلب ناخوشایند زندگی را به ما نشان می‌دهند و به دنیای ساخته و پرداخته ذهن ما ضربه می‌زنند. به قول معروف، رویکرد نهایی هر دو مقوله در این مسئله خلاصه می‌شود که «مربع بی‌آن‌گونه نیست که به نظر می‌رسد» و در مورد هر چیزی و هر مسئله‌ای از ناپویه‌ای مختلف می‌توان به نتیجه‌ای متفاوت رسید. چیزی که ولسوف از آن به عنوان بینش یا بصیرت یاد می‌کند، با کمی تساهل و تساهل، همان چیزی است که خالقان جوک از آن به عنوان نکته کلیدی ترک یا zinger یاد می‌کنند. یک دسته از فیلوگگ‌ها (یا به عبارتی جوک‌های بی‌درون‌مایه فلسفی) لطیفه‌هایی با لحاظ بحث قیاس هستند. اینک مثلاً اگر دو برون‌داد مشابه یکدیگر باشند، ممکن است علتی مشابه نیز داشته باشند. قیاس یا analogy، در نیم قرن اخیر، به‌ویژه در مبحث تاریخی هوشمندانه جهان خلقت، کاربرد اساسی داشته و دارد. استنتاج قیاسی می‌تواند با مقدمات صحیح و یا فرضیه‌های صرف و یا با مقدمات غیرحقیقی و دروغ آغاز شود. به هر حال، استنتاج قیاسی می‌تواند صحیح باشد، حتی اگر مقدماتش کذب باشد. چطور؟ مثلاً این مورد را در نظر بگیرید: انیشتین تهرانی است، هر تهرانی ایرانی است، پس

انیشتین ایرانی است. حُب این استنتاج قیاسی صحیح است، اما چون انیشتین اصولاً تهرانی نبود، طبعاً نمی‌شود آن را یک برهان محسوب کرد. می‌بینید که کار بسیار ساده‌ای است. البته، بهتر است عبارت سهل و ممتنع را دربارهٔ آن به کار ببریم، چون حُب آن قدر هم کار ساده‌ای نیست. به هر حال، از عرفان بگیرید تا آرای ژیزک، می‌توانیم به شما نشان دهیم که چقدر راحت می‌شود پیچیده‌ترین آرای فلسفی را در قالب قطعه طنز آمیز همگان فهم و همه‌کس فهم کرد.

انشجویان رشته فلسفه را در نظر بگیرید: در روز نخست ورودشان به دانشگاه، کلاس افتتاحیه، بی‌صبرانه، منتظر و مشتاق‌اند تا با گوش کردن به درس استاد، معانی همه چیز و ارتباط و نسبت هر چیزی با چیز دیگری بی‌یاد کنند. استاد - که معمولاً ظاهر ژولیده‌ای دارد - وارد کلاس می‌شود و در بدو ورود شروع می‌کند تا معنای «مفهوم» را، از نو، برای دانشجویان معنی کند. دانشجویان نخست، احتمالاً، احساس خوبی ندارند، اما کم‌کم علاقه‌مند می‌شوند تا پیش از دانستن پاسخ هر سؤال - چه کوچک چه بزرگ - درک کنند که معنی و مفهوم خود پرسش چیست. کنجکاوی در مفهوم هر پرسش به خلق پرسش‌های جدید منتهی می‌شود.

این دقیقاً شیوه و منش عالم فلسفه و فیلسوفان است. دقیق شدن در معنی هر پرسش سبب خلق چندین پرسش جدید می‌شود، و، همانند لاک پشت‌های کهکشانی آغاز این بحث، در پشت هر پرسش پرسشی دیگر نهفته است.

در حقیقت، فلسفه به ما یاد می‌دهد که پرسش‌های اساسی زندگی چیست پیش از آنکه تلاش کند حتی به یکی از آن‌ها پاسخی قطعی و نهایی بدهد. پرسش‌هایی از قبیل اینکه معنی و مفهوم حیات چیست؟

آیا خلقت فرایندی هدفمند است؟ آیا خدا وجود دارد؟

پرسش «معنی و مفهوم حیات چیست؟» مربوط می‌شود به مکتب متافیزیک و ماوراءالطبیعه. پرسش «آیا خدا وجود دارد؟» با فلسفه مذهب سر و کار دارد. به پرسش «چگونه می‌توانم خود واقعی‌ام را پیدا کنم؟» در حوزه اگزیستانسیالیسم یا مکتب اصالت وجود پاسخ داده می‌شود (یا دست‌کم سعی می‌شود که پاسخ داده شود) و، مهم‌تر از همه، اینکه «فلسفه چیست؟» در مکتب تازه خلق‌شده‌ای موسوم به «فرا فلسفه» به چندین‌چون آن پرداخته می‌شود.

برخلاف اکثر کتاب‌های حوزه فلسفه، در این کتاب بر اساس سیر کرونولوژیک حرکت نمی‌کنیم. در حقیقت، سعی می‌کنیم ایده‌های اساسی عالم فلسفه را از طریق بیان روان و کاربرد طنز برای شما توضیح بدهیم. اگر موفق نه‌باشیم، آن را به حساب همان جمله معروف بگذارید: «فلسفه، در اکثر اوقات، تاریکی کبوتی است که زبان برای ذهن می‌تند.»

وودی آلن در نمایه‌نامه کوتاهی، که موضوع آن جابه‌جایی او با سقراط در جریان یک رؤیاست، چنین تک‌گویی می‌کند:

— شعار من اینه: ... تئوری زیاد، مشاهده کم ... البته، از من نشنیده بگیرین. اما فلسفه فقط تا وقتی جالبیه نه روی صفحه کاغذ. وقتی می‌خواد به صورت عملی اجرا بشه اصلاً چیز خوبی از کار در نمی‌آد.